

Research Paper

The relationship between sustainable institutional investors and corporate sustainability performance with tax avoidance

Majid Moradi^{1,*} , Vahid Oskou² , MohammadAmin Baghaei³

¹Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Saveh Branch, Iran

²Assistant Professor of Accounting, Gonbad kavous University, Faculty of Humanities and Sports Sciences, Department of Administrative and Economic Sciences, Gonbad kavous, Iran

³M.A. Student in Accounting, Islamic Azad University, Saveh Branch, Iran

Received: 2024/10/12 Revised: 2024/12/17 Accepted: 2025/01/09

Abstract

The present study examines the relationship between stable institutional investors and corporate sustainability performance with tax avoidance. In terms of nature and methodology, this research is descriptive and in terms of purpose, it is an applied study. Since the current research analyzes the existing status of variables by collecting and utilizing historical data, it falls under descriptive and ex-post facto studies. In the course of this research, two hypotheses were formulated, and 167 companies were selected through systematic elimination sampling over an eight-year period from 2015 to 2022. After gathering the relevant data on the research variables in Excel, the data were analyzed using the statistical software EViews. The results of hypothesis testing revealed that stable institutional investors and corporate sustainability performance have a significant inverse relationship with tax avoidance. In other words, the higher the stability of institutional shareholders and corporate sustainability performance, the less a company engages in tax avoidance.

Keywords: Sustainable institutional investors, Sustainable corporate performance, Tax avoidance.

* Corresponding author. waw1511@yahoo.com

2717-3135 © Author(s)

This is an open access article under the CC BY-NC-ND license.

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

 <https://doi.org/10.22034/PSAB.2025.213123>

رابطه سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی

مجید مرادی^{۱*}، وحید اسکو^۲، محمد امین بقایی^۳

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران

^۲ استادیار حسابداری، دانشگاه گنبدکاووس، دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، گروه علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی می‌پردازد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجایی که در پژوهش حاضر وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات، از طریق اطلاعات گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، در ردیف مطالعات توصیفی و از نوع پس‌رویدادی گنجانده می‌شود. در مسیر انجام این پژوهش، دو فرضیه تدوین و ۱۶۷ شرکت از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک برای دوره زمانی ۸ ساله بین ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده و داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری در نرم‌افزار اکسل با استفاده از نرم‌افزار آماری ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس معناداری دارد، یعنی هرچه پایداری سهامداران نهادی و عملکرد پایداری شرکت بیشتر باشد، شرکت نسبت به پرداخت مالیات، اجتناب کمتری خواهد داشت. **واژگان کلیدی:** سرمایه‌گذاران نهادی پایدار، عملکرد پایداری شرکت، اجتناب مالیاتی.

* نویسنده مسئول. waw1511@yahoo.com

© نویسندگان ۲۷۱۷-۳۱۳۵

این یک مقاله با دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND است.

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

 <https://doi.org/10.22034/PSAB.2025.213123>

۱. مقدمه

تبیین چگونگی تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت بر اجتناب مالیاتی در بازارهای مالی یکی از چالش‌برانگیزترین موضوع‌های بااهمیت حوزه حسابداری و مالی است (اسکو و فخاری، ۱۴۰۱). پاسترناک و ریکو (۲۰۰۸) معتقدند مالیات به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد دولت‌ها تلقی می‌گردد تا از طریق آن بتوانند به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود برسند. از سوی دیگر برای واحدهای تجاری پرداخت مالیات منجر به کاهش سهم سهامداران واحد تجاری می‌شود، طبیعی است که آن‌ها استراتژی‌هایی را برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به‌کارگیرند که یکی از این استراتژی‌ها فرار مالیاتی است (رسائیان و اکبری، ۱۳۹۲). به‌عبارت‌دیگر اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی هست که می‌تواند به‌منظور انگیزه‌های مالیاتی مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند. در همین راستا مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه‌کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند (بارانی و براتی، ۱۴۰۲؛ آریا و دلخواه، ۱۳۹۷). همچنین عبدلی و حیدری (۱۴۰۰) بیان نمودند که به دلیل اختیارات وسیع مدیران و البته انگیزه حداکثر کردن منافع شخصی نزد آنان باعث می‌شود که به‌صورت تدریجی و درگذر زمان این مدیران به سمت موقعیت‌های فرصت‌طلبانه و مضر به منافع سایر ذی‌نفعان حرکت کرده و تمایل به تضییع حقوق سایر ذی‌نفعان نمایند. قانون‌گذار برای جلوگیری از این رفتار مخرب یکسری سازوکارهایی را تحت عنوان راهبری شرکتی که در راستای عدم تضییع حقوق سایر ذی‌نفعان واحد تجاری می‌باشد ایجاد نموده است.

از مؤثرترین ابزارهای راهبری شرکتی، نقش نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری واحد تجاری می‌باشد. دای و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند سرمایه‌گذاران نهادی پایدار به دلیل داشتن توان اقتصادی کافی و نفوذ سیاسی بالا، به‌آسانی قادر خواهند بود که رفتارهای مخرب مدیریت را کنترل کرده و مانع تضییع حقوق ذی‌نفعان واحد تجاری شوند. البته این قدرت واحد تجاری را وادار به حرکت به سمت سلامت اقتصادی می‌نماید (واعظ و همکاران، ۱۴۰۲). آگودلو و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند عملکرد پایدار مانند سهامداران نهادی پایدار یکی از مکانیسم‌ها برای همسو کردن اخلاق مدیران با انتظارات ذی‌نفعان است. به‌عبارت‌دیگر عملکرد پایدار مکانیسمی است که منافع شرکت و خواسته‌های سرمایه‌گذاران را هم‌جهت می‌نماید تا واحد تجاری به‌صورت اخلاقی رفتار نماید. سرمایه‌گذاران نهادی پایدار نقش مهمی در ترویج عملکرد پایداری شرکت‌ها ایفا می‌کنند. این سرمایه‌گذاران، علاوه بر بازده مالی، به معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نیز توجه ویژه‌ای دارند و شرکت‌ها را تشویق می‌کنند تا در مسیر توسعه پایدار حرکت کنند. در مقابل، اجتناب مالیاتی، به‌عنوان یک استراتژی که هدف آن کاهش بار مالیاتی از طریق روش‌های قانونی و غیرقانونی است، می‌تواند با اهداف پایداری شرکت‌ها در تضاد باشد. اجتناب مالیاتی می‌تواند منابع

مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پایدار را کاهش دهد و همچنین منجر به عدم شفافیت در عملکرد شرکت‌ها شود. در این مقاله، به بررسی رابطه بین سه مفهوم کلیدی سرمایه‌گذاران نهادی پایدار، عملکرد پایداری شرکت و اجتناب مالیاتی می‌پردازیم. در حالی که انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران پایدار، شرکت‌ها را به سمت عملکرد پایدارتر سوق دهند، سؤال این است که آیا این سرمایه‌گذاران می‌توانند بر استراتژی‌های مالیاتی شرکت‌ها نیز تأثیر بگذارند؟ آیا شرکت‌هایی که عملکرد پایداری بهتری دارند، کمتر به اجتناب مالیاتی روی می‌آورند؟ و یا به عکس، آیا استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی می‌توانند عملکرد پایداری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند؟ فخاری و اسکو (۱۳۹۷) بیان کردند اگر فرمانروای جهان بودیم، اولین کاری که انجام می‌دادیم، یکسان‌سازی مفهوم واژه‌ها می‌بود؛ چون تعریف واژه‌ها مقدمه عمل است. به همین خاطر با توجه به موضوع بحث، توضیح مختصری از سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت و اجتناب مالیاتی ارائه می‌شود.

دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) اجتناب از مالیات شرکتی را به‌عنوان «هر چیزی که مالیات شرکت را نسبت به درآمد قبل از مالیات آن کاهش دهد» تعریف نموده‌اند و همچنین بیان نموده‌اند که اجتناب مالیاتی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد که ممکن است «تهاجمی» و قانونی یا غیرقانونی باشند.

سرمایه‌گذاران نهادی پایدار به سرمایه‌گذارانی اطلاق می‌گردد که دارای گردش پرتفوی پایینی بوده و دیدگاه بلندمدت نسبت به شرکت دارند و با نظارت فعالانه بر مدیریت و تصمیم‌های وی، انگیزه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۹).

سازمان‌های توسعه استانداردهای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها نقش قابل‌ملاحظه‌ای در توسعه این مفاهیم از طریق ایجاد چارچوب‌ها، تعیین دامنه و مرزبندی آن‌ها و ترویج اجرای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها ایفا می‌کنند. مؤلفه‌های عملکرد اجتماعی و پایداری با توجه به رهنمودهای طرح گزارشگری جهانی، شاخص KLD و استاندارد ISO26000 به‌عنوان رهنمودها و استانداردهای بین‌المللی در این خصوص به عملکرد حول محورهای اقدامات کارگری، حاکمیت سازمانی، حقوق بشر، جامعه، مشتریان و محیط‌زیست می‌پردازند. در حال حاضر، عملکرد پایداری شرکت‌ها در سه بخش عملکرد اجتماعی، محیطی و حقوق انسانی که اشاره به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارد، بر اساس شاخص‌های مؤسسه آمریکایی معروف به KLD صورت می‌گیرد که هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق انسانی (روابط کارکنان) رتبه‌بندی نموده و در ادامه به‌اختصار معرفی می‌گردد (آرین‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

علی‌رغم وجود این تعاریف و همچنین پژوهش‌های فراوان در زمینه ارتباط مالکیت نهادی، انحراف توجه سهامداران نهادی و عملکرد اجتماعی پایدار با متغیرهای مالی از جمله اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری حسابداری (مرادی شهدادی و سلمان زاده، ۱۴۰۳)؛ اجتناب مالیاتی (واعظ و همکاران، ۱۴۰۲؛ بارانی و براتی، ۱۴۰۲) و کیفیت افشا (مستانه و پاک‌مرام، ۱۳۹۵)؛ اما اینکه چگونه سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و

عملکرد پایداری شرکت بر اجتناب مالیاتی مؤثر باشد مورد پژوهش قرار نگرفته است. بر همین اساس با توجه به ارتباط نظری ذکرشده و همچنین خلأ پژوهشی و نو بودن موضوع فوق، پژوهش حاضر درصدد است تا به تبیین و بررسی تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت بر اجتناب مالیاتی بپردازد. در ضمن پژوهش در این زمینه، به درک بهتری از مکانیزم‌هایی که از طریق آن سرمایه‌گذاران نهادی پایدار بر رفتار مالی و غیرمالی شرکت‌ها اثر می‌گذارند، کمک می‌کند. نتایج این پژوهش می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران، مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران داشته باشد و به طراحی مکانیزم‌های مؤثرتری برای تشویق پایداری و کاهش اجتناب مالیاتی منجر شود. همچنین، این موضوع می‌تواند به توسعه چارچوب‌های گزارش‌دهی شفاف‌تر و دقیق‌تر برای شرکت‌ها کمک کند تا عملکرد پایداری و استراتژی‌های مالیاتی آن‌ها به طور روشن‌تری مشخص شود.

لذا در ادامه، پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده، فرضیه‌ها و روش‌شناسی پژوهش مطرح‌شده است و در بخش بعدی نتایج پژوهش که شامل آمار توصیفی و آمار استنباطی است مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت، به سؤال اصلی پژوهش، آیا سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد یا خیر؟ پاسخ داده خواهد شد.

۲. مبانی نظری پژوهش

از منظر نظری، انگیزه‌های مدیریت ارشد برای انجام اجتناب مالیاتی بلندپروازانه است. نظریه کلاسیک عامل اصلی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ راس، ۱۹۷۳) فرض می‌کند که اجتناب مالیاتی در راستای منافع سهامداران است، زیرا اجتناب مالیاتی ممکن است جریان‌های نقدی و درآمدهای پس از مالیات را افزایش دهد (آستین و ویلسون، ۲۰۱۷). برخلاف این نظریه، نظریه نمایندگی ذی‌نفعان (هیل و جونز، ۱۹۹۲) تأکید می‌کند که اجتناب مالیاتی شناخته‌شده عمومی منجر به واکنش منفی سهامداران و شهرت بد شرکت می‌شود، در نتیجه ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. پژوهش‌های قبلی در مورد ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی عمدتاً به نظریه عامل اصلی و جدایی مالکیت و کنترل اشاره داشت (بادرتشر و همکاران، ۲۰۱۳). در این زمینه، نظریه نمایندگی کلاسیک فرض می‌کند که اصولاً ریسک خنثی هستند، زیرا آن‌ها سهام را در پرتفوی‌های بسیار متنوع نگه می‌دارند. فرض بی‌طرفی ریسک ممکن است در مورد شناور آزاد مفید باشد. با این حال، برای هر سهامدار واقع‌بینانه نیست. برخلاف این ویژگی، سهامداران ریسک‌گریز (پایدار) ریسک شهرت پایین شرکت را به‌عنوان واکنشی به اجتناب مالیاتی شناخته‌شده عمومی می‌شناسند که ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاران پایدار، مدیریت را برای کاهش تهاجم مالیاتی تحت فشار قرار می‌دهند که با خواسته‌های دیگر سهامداران سازگار است؛ بنابراین، مدیران سطحی از اجتناب مالیاتی را انتخاب می‌کنند که در راستای منافع سهامداران مربوطه باشد تا زمانی که نظارت قوی و همسویی انگیزشی اجرا شود (فاما، ۱۹۸۰). سرمایه‌گذاران نهادی، برخلاف سرمایه‌گذاران خصوصی، پول را به

نماینده‌گی از دیگران، مانند صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های متقابل، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه سرمایه‌گذاری می‌کنند. ادبیات تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاران نهادی یک وظیفه نظارتی اصلی را انجام می‌دهند (کلنتر، ۲۰۲۱) که با نظارت فعال و افزایش تخصص مرتبط است. بر اساس گزینه‌های خروج و صدای خود، آن‌ها مدیریت را تحت فشار قرار می‌دهند تا ترجیحات فردی خود را برآورده کنند.

عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیریت و ذی‌نفعان در صورتی کاهش می‌یابد که مدیریت ارشد سطح اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. در غیر این صورت، واکنش‌های منفی ذی‌نفعان ممکن است رخ دهد. با توجه به قدرت رأی‌دهی و توانایی تأثیرگذاری بر استراتژی‌های تجاری، سرمایه‌گذاران نهادی پایدار در نظارت فعال شرکت می‌کند و برای اجتناب از مالیات کمتر فشار می‌آورد. تلاش‌های نظارتی برای کاهش اجتناب مالیاتی ممکن است برای سرمایه‌گذاران نهادی پایدار مفید باشد تا جایی که جریان سرمایه‌گذاری اضافی را از پایگاه مشتری با انگیزه اخلاقی تضمین کند و سرمایه‌گذاران نهادی پایدار می‌تواند گزینه خروج یا صدا را انتخاب کند. اولاً، آن‌ها ممکن است مدیران اجرایی را تهدید کنند که وقتی سرمایه‌گذاران نهادی از آن‌ها راضی نیستند، شرکت را به‌عنوان گزینه خروج ترک خواهند کرد. دوم، آن‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری خود را در شرکت و مدیریت فشار به‌عنوان یک نظارت فعال (گزینه صوتی) برای تغییر استراتژی‌های شرکت نگاه‌دارند. سرمایه‌گذاران نهادی کانال‌های متعددی برای اعمال این فشار دارند. نمونه‌های اصلی، از جمله نامه‌نویسی‌ها، نبردهای نیابتی، دعای حقوقی، کمپین‌های تبلیغاتی، گفتگو با مدیران اجرایی یا هیئت‌مدیره کامل، پرسیدن سؤالات در مجمع عمومی، پیشنهادهای سهامداران، یا رأی‌گیری در مورد پرداخت (لی، ۲۰۲۱). از آنجایی که سرمایه‌گذاران نهادی نیز به‌عنوان اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره (سیستم یکپارچه) یا اعضای هیئت نظارت (سیستم دولایه) نشان داده می‌شوند، پیوند قوی بین عملکرد نظارتی سهامداران و هیئت‌مدیره مشاهده می‌شود. از جمله، سرمایه‌گذاران نهادی پایدار مدیریت را برای افزایش ترکیب هیئت‌مدیره پایدار (به‌عنوان مثال، تنوع جنسیتی، تخصص پایداری از طریق مدیران ارشد پایداری یا کمیته‌های مسئولیت اجتماعی شرکت) و بسته‌های غرامت مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت تحت فشار قرار می‌دهد. محققان تا حد زیادی تأثیر حاکمیت شرکتی را بر اجتناب از مالیات در دهه گذشته تجزیه و تحلیل کرده‌اند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ بائر، ۲۰۱۶) که «حاکمیت شرکتی به روش‌هایی اشاره دارد که تأمین‌کنندگان مالی به خود اطمینان می‌دهند که بازده مناسبی از سرمایه‌گذاری خود به‌دست آورند» (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷).

هدف اصلی حاکمیت شرکتی این است که تضمین کند مدیریت در راستای منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان عمل کند و به حداکثر رساندن ارزش شرکت منجر شود. مجموعه‌ای رو به رشد از پژوهش‌ها نیز تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی را با نتایج متفاوتی تحلیل کرده‌اند؛ برخی تأثیر آن را مثبت (لی و همکاران، ۲۰۲۱) و برخی دیگر منفی (حسن و همکاران، ۲۰۲۲) ارزیابی کرده‌اند. به‌طور جزئی، نسبت مالکیت نهادی بر میزان اجتناب مالیاتی می‌تواند افزایش (خان و همکاران، ۲۰۱۷) یا کاهش (یانگ و

همکاران، ۲۰۱۷) باید. مطالعات اندکی به ناهمگونی سرمایه‌گذاران نهادی مربوط می‌شود و تأکید کرده‌اند که کاهش سرمایه‌گذاران نهادی اختصاصی (لی و همکاران، ۲۰۲۱)، مؤسسات شبه نمایه‌ساز (چن و همکاران، ۲۰۱۹) و مداخله صندوق‌های تأمین (چنگ و همکاران، ۲۰۱۲) اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، مالکیت نهادی خارجی (حسن و همکاران، ۲۰۲۲) و مؤسسات بلندمدت (خورانا و موزر، ۲۰۱۳) اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهند. سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است برای افزایش خروجی‌های مالی کوتاه‌مدت به یک هدف کلاسیک «بیشینه‌سازی ارزش سهامداران» و مدیریت فشار اعتماد کنند. این موضوع حاکی از افزایش میزان اجتناب مالیاتی (کاهش پرداخت‌های مالیاتی) است، زیرا ممکن است پرداخت‌های بالقوه سود سهام بیشتر باشد. سرمایه‌گذاران نهادی کوتاه‌مدت ممکن است به مسائل مسئولیت اجتماعی شرکت و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اهمیت چندانی ندهند که ممکن است نتایج پژوهش را توضیح دهد که می‌تواند تأثیر مثبت مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی را توضیح دهد (لی و همکاران، ۲۰۲۱).

اجتناب از مالیات شرکتی به‌عنوان هر چیزی که مالیات شرکت را نسبت به درآمد قبل از مالیات کاهش می‌دهد، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد که ممکن است تهاجمی و قانونی یا غیرقانونی باشند. در طول دهه گذشته، محققان، قانون‌گذاران و رویه‌های تجاری به‌طور بحث‌انگیز در مورد اجتناب از مالیات بحث کرده‌اند، زیرا نگرانی‌های عمومی در مورد استراتژی‌های مالیاتی غیرمسئولانه شرکت‌های گروه چندملیتی، مانند اپل، فیس‌بوک و استارباکس، آغاز شده است (دیویس و همکاران، ۲۰۱۶). در این زمینه، محققان تأکید کرده‌اند که از هر ۱۰ شرکت آمریکایی، یک شرکت دارای نرخ مؤثر مالیاتی زیر ۲۰ درصد بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ است. پژوهش‌های تجربی عمدتاً از نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت‌های مالیاتی به‌عنوان یک معیار برای اجتناب از مالیات استفاده کرده‌اند. نرخ مؤثر مالیاتی، به‌عنوان نسبت هزینه‌های مالیاتی به درآمد دفتری قبل از مالیات، نشان‌دهنده معکوس اجتناب از مالیات است و می‌تواند به‌راحتی از صورت‌های مالی اندازه‌گیری شود. ادبیات پژوهشی شاخص‌های مختلف نرخ مؤثر مالیاتی را متمایز می‌کند، از جمله نرخ مؤثر مالیاتی بر اساس اصول حسابداری پذیرفته‌شده عمومی، نرخ مؤثر مالیاتی جاری و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰). تفاوت‌های مالیاتی، به‌عنوان تفاوت بین درآمد دفتری و درآمد مشمول مالیات (هانلون، ۲۰۰۴)، نیز به‌خوبی تثبیت شده است. چند مطالعه همچنین شامل سایر شاخص‌های اجتناب از مالیات، مانند پناهگاه‌های مالیاتی (به‌عنوان مثال، وانگ و همکاران، ۲۰۲۱) هستند. با تکیه بر مطالب فوق، سؤال اصلی پژوهش بدین صورت می‌باشد که: بین سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ در ادامه برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱.۲. پیشینه پژوهش

مرادی و سلمان زاده (۱۴۰۳) تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بارانی و براتی (۱۴۰۲) تأثیر عملکرد پایدار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۴۶ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی ۷ ساله بین سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که از سطح بالاتری از عملکرد پایدار اجتماعی برخوردارند تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی دارند.

ولته (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان سرمایه‌گذاران نهادی پایدار، عملکرد پایداری شرکت و اجتناب از مالیات شرکت: شواهد تجربی برای بازار سرمایه اروپا را بررسی نمود. تجزیه و تحلیل‌ها بر روی یک نمونه اروپایی متشکل از ۱۶۸۹ مشاهده سال شرکت بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰ (EUROSTOXX 600) که در چارچوب نظری آژانس ذی‌نفعان جاسازی شده است، متمرکز شده است. نتایج نشان داد که سهامداران نهادی پایدار بر اجتناب مالیاتی اثر منفی دارد. همچنین عملکرد پایداری شرکت هم این رابطه منفی را تقویت می‌کند.

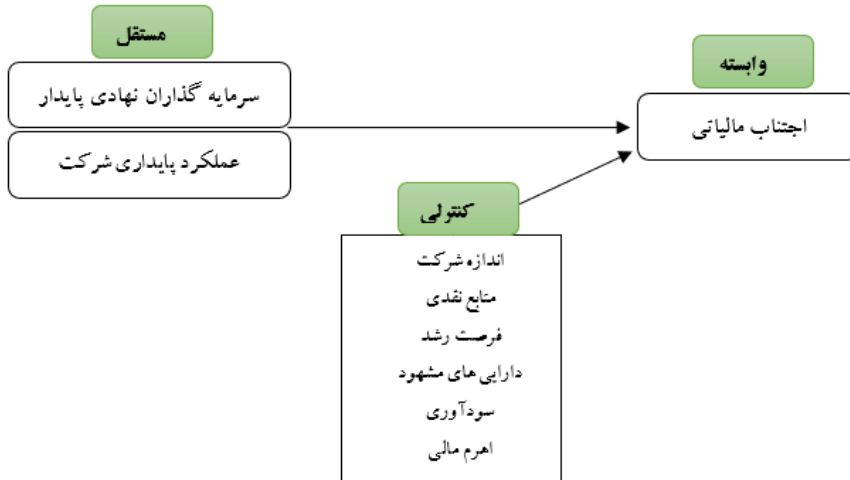
راکیا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر تعدیل‌کننده مدیران زن بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به این نتیجه رسیدند که سطح بالای مسئولیت اجتماعی با اجتناب از مالیات شرکت‌ها در شرکت‌هایی با درصد بالاتری از زنان در هیئت‌مدیره، ارتباط منفی دارد. حسن و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی خارجی بر اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی خارجی اجتناب مالیاتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر خود را کاهش می‌دهند.

عاردیله و هلیم (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی، جریان زیان مالی و محافظه‌کاری بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر مالکیت نهادی، جریان زیان مالی و محافظه‌کاری بر اجتناب مالیاتی است.

بینگ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی ارتباط بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها طی بازه زمانی ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج آنان نشان داد هنگامی که توجه به سهامداران نهادی منحرف می‌شود شرکت‌های سرمایه‌پذیر اجتناب مالیاتی بیشتری انجام می‌دهند یعنی هنگامی که حاکمیت داخلی یک شرکت ضعیف می‌شود اجتناب مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد.

فرضیه‌های پژوهش

اول: بین سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.
دوم: بین عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی بوده و جزو نوع پژوهش‌های استقرایی-قیاسی است. روش‌های گردآوری اطلاعات پژوهش به دو دسته کلی کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود. روش و ماهیت پژوهش، تحلیلی و از نوع شبه تجربی است که به بررسی همبستگی بین متغیرها می‌پردازد به طوری که در آن از روش پژوهش همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده و با بهره‌گیری از داده‌های مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه همبستگی می‌پردازد. بعد از تکمیل داده‌ها در اکسل با نرم‌افزار ایویوز مورد تحلیل قرار گرفته و فرضیه‌ها تخمین زده شد و پس از اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید.

جدول ۱. نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک

تعداد	شرح
۵۸۰	شرکت‌های فعال در بورس طبق گزارش امتیاز افشای شرکت‌های بورسی در سال ۱۴۰۱
۲۱۲	کسر می‌شود: شرکت‌های فرابورسی
۵۷	کسر می‌شود: شرکت‌های دارای توقف معاملاتی سهام

تعداد	شرح
۶۴	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست
۳۲	کسر می‌شود: عدم دسترسی به داده‌ها
۴۸	کسر می‌شود: شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها
۱۶۷	نمونه نهایی پژوهش

در نتیجه اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک ۱۶۷ شرکت از جامعه آماری جهت انجام آزمون‌ها انتخاب شدند. دوره تحقیق ۸ سال متوالی (۱۳۹۴-۱۴۰۱) می‌باشد بنابراین حجم نهایی نمونه ۱۳۳۶ سال شرکت می‌باشد.

مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

مدل اول:

$$\text{Tax avoidance}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{institutional investors}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{CASH}_{i,t} + \beta_4 \text{Growth}_{i,t} + \beta_5 \text{TANG}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل دوم:

$$\text{Tax avoidance}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{sustainability performance}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{CASH}_{i,t} + \beta_4 \text{Growth}_{i,t} + \beta_5 \text{TANG}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

• متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی

استراتژی‌های مالیاتی که مالیات را به تعویق می‌اندازد، نرخ مؤثر مالیات سال جاری را تغییر خواهد داد و در نتیجه در این پژوهش مطابق پژوهش خانی و همکاران (۱۳۹۳) مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) از نرخ مؤثر مالیاتی جهت محاسبه متغیر اجتناب از مالیات استفاده می‌گردد. بدین منظور کل هزینه مالیات بر درآمد بر کل سود حسابداری قبل از مالیات حاصل می‌شود.

• متغیر مستقل

سرمایه‌گذاران نهادی پایدار

طبق بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا. سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از: ۱- بانک‌ها و بیمه‌ها
۲- هلدینگ‌های شرکت‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی، شرکت تأمین و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان اوراق بهادار، ۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا

بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند. ۴- شرکت‌های دولتی ۵- اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند. لذا در این پژوهش جهت محاسبه سهم مالکان نهادی از بند ۲۷ ماده قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا استفاده شده است. همچنین در این پژوهش سهامداران نهادی به دو گروه سهامداران نهادی فعال (پایدار) و سهامداران نهادی گذرا (غیرفعال) تقسیم شده‌اند. سرمایه‌گذاران نهادی فعال پایدار به سرمایه‌گذارانی اطلاق می‌گردد که دارای گردش پرتفوی پایینی بوده و دیدگاه بلندمدت نسبت به شرکت دارند و با نظارت فعالانه بر مدیریت و تصمیم‌های وی انگیزه‌هایی را برای مسئولیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند. همچنین سرمایه‌گذاران نهادی گذرا (منفعل) به سرمایه‌گذارانی اطلاق می‌شود که دارای گردش پرتفوی بالایی بوده و دیدگاه کوتاه‌مدت نسبت به شرکت دارند به طوری که به تجارت بیش از نظارت تمایل دارند. لذا در این پژوهش با بهره‌گیری از پژوهش‌های داخلی از جمله، نوروش ابراهیمی و کرد لر (۱۳۸۴) برای مقایسه شرکت‌های با مالکیت نهادی فعال و مالکیت نهادی گذرا، در ابتدا کلیه شرکت‌های موجود در نمونه مورد بررسی بر اساس متغیر مالکیت نهادی در هر سال مالی مرتب شده، سپس از آن‌ها دو نمونه یافته به روش زیر استخراج می‌گردد:

- (۱) نمونه با سرمایه‌گذاران نهادی پایدار که شامل شرکت‌هایی می‌شود که در چارک بالای مالکیت نهادی قرار دارد.
- (۲) نمونه با سرمایه‌گذاران نهادی ناپایدار که شامل شرکت‌هایی می‌شود که در چارک پایینی مالکیت نهادی قرار دارد.

عملکرد پایداری شرکت

برای تعیین امتیاز عملکرد پایداری شرکتی از شاخص KLD استفاده گردید. مؤسسه آمریکایی KLD هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای اجتماعی زیست محیطی رتبه‌بندی می‌کند. این شاخص معیاری استاندارد جهت ارزیابی رویه‌ها و عملکرد پایداری زیست محیطی شرکت است که در پژوهش‌های پایداری و عملکرد اجتماعی شرکت از سال ۱۹۹۱ مورد استفاده قرار گرفته است (کیم، ۲۰۱۸). سنجش عملکرد پایداری شرکتی از طریق شاخص KLD شامل مجموعه‌ای از نقاط قوت و ضعف یا نگرانی است که در پژوهش حاضر با استفاده از چک‌لیست رتبه‌بندی اجتماعی برای هر هفت بعد شامل اجتماعی، حاکمیتی، محیط‌زیست، روابط کارکنان، کیفیت محصول، حقوق بشر و تنوع‌بخشی اندازه‌گیری می‌شود. زیرمجموعه‌های این ابعاد عبارت‌اند از:

(۱) بعد اجتماعی

نقاط قوت: (الف) امور خیریه (در صورتی که شرکت مبلغی را به امور خیریه مردمی اختصاص داده باشد). (ب) امور خیریه خارج از ایران (کمک به کشورهای جنگ‌زده و آسیب‌دیده از بلایای طبیعی). (پ) برنامه

حمایت از مسکن (برنامه‌های حمایتی مسکن در سطح شرکت و ملیت، برنامه حمایت از تحصیل شرکت، برنامه حمایتی برای تحصیل و آموزش شغل برای جوانان و کارکنان).
نقاط ضعف: (الف) اثرات منفی اقتصادی (شرکت‌هایی که دچار مسائل حقوقی آب، زمین، دفع ضایعات یا مسائل دیگری که تأثیرگذار بر زندگی مالیات یا ارزش دارایی جامعه باشد مانند تعطیلی کارخانه). (ب) مشکلات مالیاتی (در صورتی که شرکت دارای پرونده مالیاتی در هیئت حل اختلاف مالیاتی باشد).

(۲) حوزه حاکمیتی

نقاط قوت: (الف) پاداش (در صورتی که شرکت پاداشی در سال مالی به مدیران ارشد داده باشد). (ب) نفوذ قابل ملاحظه (در صورتی که شرکت، صاحب ۲۰ تا ۵۰ درصد از سهام شرکت دیگر باشد). (ج) شفافیت بالا (شرکت گزارش مؤثری از اندازه‌گیری‌های محیطی اجتماعی و یا موضوع خاص شرکتی داشته باشد).
نقاط ضعف: (الف) نگرانی‌های حسابداری (شرکت دارای اظهارنظر حسابرسی مشروط باشد). (ب) مشکلات شفافیت (شرکت دارای ضعف در افشای اطلاعات مربوط به مسائل محیط و اجتماع باشد).

(۳) تنوع‌بخشی

نقاط قوت: (الف) مدیران اجرایی (در صورتی که شرکت از مدیران اجرایی خانم و یا اقلیت جامعه استفاده کند). (ب) اعضای هیئت‌مدیره (خانم‌ها، اقلیت‌ها و افراد معلول عضو هیئت‌مدیره باشند). (پ) منافع شغلی زندگی (منافع خارج از شرکت برای کودکان سالمندان یا اوقات فراغت). (ت) کارمندان خانم و اقلیت (حداقل ۵ درصد کارمندان شرکت از این گروه باشند، به‌کارگیری کارمندان جانباز و معلول).

نقاط ضعف: (الف) مشکلات دادگاهی مربوط به کارکنان و بیمه و غیره (ب) نداشتن خانم در اعضای هیئت‌مدیره

(۴) روابط کارکنان

نقاط قوت: (الف) مزایای غیرنقدی (شرکت مزایای غیرنقدی را برای کارکنان خود در نظر گرفته باشد). (ب) توزیع نقدی درآمد (شرکت دارای برنامه توزیع سود نقدی است که اخیراً آن را به اکثریت نیروی کار و سهامداران تقسیم کرده است). (پ) مشارکت کارکنان (شرکت برای مشارکت کارکنان همچنین مشارکت در مالکیت راغب است). (ت) مزایای بازنشستگی (شرکت دارای برنامه مزایای بازنشستگی قابل توجه است). (ث) سلامت و ایمنی (شرکت دارای برنامه بهداشتی و ایمنی قوی است).
نقاط ضعف: (الف) کاهش نیروی کار (شرکت در آن سال مالی نیروی کار خود را کاهش داده باشد). (ب) سلامت و ایمنی (شرکت جرائمی را بابت بهداشت و ایمنی پرداخت نموده باشد). (پ) ضعف در مزایای بازنشستگی (شرکت در این زمینه دچار کسری بودجه شده باشد).

(۵) محیط‌زیست

نقاط قوت: (الف) محصولات و خدمات سودمند (ساخت محصول مطابق با محیط‌زیست و کارا در مصرف انرژی). (ب) جلوگیری از آلودگی (شرکت دارای برنامه‌های پیشگیری از آلودگی شدید، از جمله کاهش

میزان انتشار و برنامه‌های کاهش سموم است). (پ) بازیافت (شرکت از مواد بازیافتی به عنوان مواد خام در فرآیندهای تولید استفاده می‌کند و یا عامل اصلی در صنعت بازیافت است). (ت) انرژی پاک (شرکت اقدامات قابل توجهی را برای کاهش تأثیر بر تغییرات آب و هوایی و آلودگی هوا از طریق استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و سوخت پاک یا از طریق بهره‌وری و صرفه‌جویی در انرژی انجام داده است). (ث) دریافت جایزه و لوح تقدیر در زمینه محیط‌زیست. (ج) اموال، ماشین آلات و تجهیزات (شرکت اموال ماشین آلات و تجهیزات خود را با عملکرد محیطی بالا برای صنعت خود حفظ می‌کند). (چ) سیستم‌های مدیریتی دریافت گواهینامه ایزو ۱۴۰۰۱ توسط شرکت برای سیستم‌های مدیریتی شرکت.

نقاط ضعف: (الف) فضولات خطرناک (شرکت جزء پنج صنعت اول در ایجاد فضولات پرخطر باشد شامل شیمیایی و نفت، چرم و نساجی، استخراج و تولید فلزات اساسی کاغذ و چاپ و رنگ شوینده و تمیز کننده). (ب) مسائل قانونی (پرداخت جرائم برای مسائل و مشکلات زیست محیطی ای که شرکت تولید کرده است (نقض مدیریت زباله و جریمه انرژی)). (پ) مواد شیمیایی نازک کننده لایه اوزون (شرکت جزء تولیدکنندگان مواد شیمیایی از بین برنده لایه اوزون باشد). (ت) مواد شیمیایی کشاورزی (شرکت تولیدکننده مواد شیمیایی کشاورزی است یعنی آفت کش‌ها یا کود شیمیایی و یا تولید مواد اولیه آنها). (ث) تغییرات آب و هوایی (شرکت باعث تغییرات اقلیمی و آب و هوا شود یا شرکت درآمد قابل توجهی از فروش زغال سنگ یا نفت و محصولات مشتق شده آن به دست می‌آورد یا درآمد قابل توجهی را به طور غیرمستقیم از احتراق زغال سنگ یا نفت و محصولات تولیدی به دست می‌آورد).

(۶) حقوق بشر

نقاط قوت: (الف) روابط دوستانه با مردم بومی (شرکت ارتباطات خود را با مردم بومی برقرار کرده و به مسائل مربوط به آن‌ها احترام می‌گذارد، ایجاد فضای سبز برای استفاده عموم، برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها، احداث جاده برای راحتی مردم بومی، استفاده از کارگران بومی، برگزاری مسابقات ورزشی شهری و استانی، برگزاری نمایشگاه در سطح شهر و استان، کمک به روستا و شهر هم‌جوار، گزارش رضایت همسایگان کارخانه). (ب) حقوق کارکنان و کارگران (افشای مناسب برای حقوق کارکنان و کارگران وجود دارد).
نقاط ضعف: ندارد.

(۷) کیفیت محصول

نقاط قوت: (الف) کیفیت (شرکت دارای یک برنامه کیفیت بلندمدت برای محصولات و خدمات باشد). (ب) تحقیق و توسعه و نوآوری (شرکت دارای برنامه‌ای برای تحقیق و توسعه و نوآوری در صنعت خود است). (پ) مزایای شرایط سخت اقتصادی (شرکت به‌عنوان بخشی از مأموریت اصلی خود محصولات یا خدمات را برای افراد محروم اقتصادی ارائه می‌کند).

نقاط ضعف: (الف) ایمنی محصول (شرکت اخیراً جریمه‌های قابل توجهی در رابطه با ایمنی محصولات و خدمات پرداخت کرده است). (ب) نگرانی‌های قراردادی / بازاریابی پرداخت جرائم و یا دعوی حقوقی مربوط به قراردادها، بازاریابی و شیوه تبلیغات و غیره.

پس از ادغام مؤلفه‌های روابط کارکنان در بخش اجتماعی، حقوق بشر در بخش اخلاقی و در نظر گرفتن مؤلفه کیفیت محصول در بخش اقتصادی، چک‌لیست نهایی بر اساس ابعاد پنج‌گانه عملکرد پایداری در پنج بعد طبقه‌بندی می‌شود که شامل حوزه‌های اجتماعی، حاکمیتی، زیست‌محیطی، اخلاقی و اقتصادی است که در آن بعد اقتصادی به‌عنوان بعد مالی عملکرد پایداری شرکتی و مجموع ابعاد زیست‌محیطی، حاکمیتی، اخلاقی و اجتماعی به‌عنوان بعد غیرمالی عملکرد پایداری شرکتی در نظر گرفته می‌شود. در هر حوزه معیارهایی به‌عنوان نقاط قوت و نقاط نگرانی مطرح گردید. چنانچه شرکت موردبررسی دارای معیارهای نقاط قوت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد. از طرف دیگر چنانچه برای شرکتی معیارهای نقاط نگرانی برقرار باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد. جهت محاسبه امتیاز هر یک از ابعاد عملکرد پایداری برای هر شرکت، مجموع نقاط نگرانی از مجموع نقاط قوت کسر و امتیاز عملکرد پایداری تعیین می‌شود (امین و همکاران، ۱۳۹۷). برای تعیین امتیاز عملکرد پایداری شرکت‌ها با استفاده از شاخص KLD گزارش‌های هیئت‌مدیره که در سامانه کدال و سایت شرکت منتشر شده بود و نیز سایر گزارش‌هایی که طی دستورالعمل‌های الزام‌آور بورس اوراق بهادار تهران افشا گردیده‌اند، استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفت.

• متغیر کنترلی

اندازه شرکت: که از طریق لگاریتم ارزش بازار کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.
منابع نقدی: بیانگر میزان نگهداری وجه نقد در شرکت است که از طریق تقسیم مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
فرصت رشد: نشان‌دهنده فرصت رشد در شرکت است که از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان تقسیم به دست می‌آید.
دارایی‌های مشهود: نسبت دارایی‌های ثابت بر کل دارایی‌ها؛ استدلال بر این است با افزایش دارایی‌های مشهود سیاست تقسیم سود شرکت بهبود پیدا کند.
سودآوری: شاخصی برای اندازه‌گیری سودآوری بوده و بیانگر بازده دارایی‌ها است. این معیار از طریق نسبت سود عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها حاصل می‌شود.
اهرم مالی: که از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال به دست می‌آید.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۲) آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	اجتناب مالیاتی	سرمایه‌گذاران نهادی پایدار	عملکرد پایداری شرکت	اندازه شرکت	منابع نقدی	فرصت رشد	دارایی‌های مشهود	سودآوری	اهرم مالی
میانگین	۰/۱۵۰	۰/۷۳۵	۷/۵۲۳	۱۵/۷۴۱	۰/۰۴۶	۰/۱۹۳	۰/۲۱۲	۰/۵۴۲	۰/۱۵۶
میانه	۰/۱۱۸	۰/۱۱۸	۷	۱۵/۳۹۸	۰/۰۲۸	۰/۳۴۶	۰/۱۷۰	۰/۵۳۱	۰/۱۴۰
بیشترین	۰/۷۳۰	۱	۱۷	۲۲/۴۵۲	۰/۵۹۹	۲/۷۳۰	۰/۸۶۵	۳/۵۵۲	۱/۷۳۱
کمترین	-۰/۱۳۳	۰	۴	۱۱/۸۹۰	۰/۰۰۰	-۱/۱۲۸	۰/۱۵	۰/۰۱۲	۰/۲۷۸
انحراف معیار	۰/۱۶۱	۰/۲۵۱	۱/۷۸۵	۱/۸۹۰	۰/۰۵۳	۰/۳۴۶	۰/۱۱۰	۰/۲۷۰	۰/۰۷۱

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست.

آزمون مانایی متغیرها

یکی از نکاتی که بایستی همیشه قبل از برازش مدل‌ها در نظر داشت، بررسی مانایی متغیرهای پژوهش می‌باشد. نامانایی متغیرها یا به عبارتی تصادفی بودن سری زمانی متغیرها منجر به کاذب شدن مدل رگرسیونی برآورد شده می‌گردد. اگر متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد ضرایب مدل ناپایا باشند، درحالی‌که هیچ رابطه مفهومی بین متغیرهای مدل وجود نداشته باشد، موجب می‌شود تا استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام گیرد.

جدول ۳. آزمون مانایی (هادری) برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آماره	معناداری	نتیجه
اجتناب مالیاتی	-۹/۰۰۱	۰/۰۰۰	مانا است
سرمایه‌گذاران نهادی پایدار	-۲۱/۲۲۳	۰/۰۰۰	مانا است
عملکرد پایداری شرکت	-۱۲/۰۵۸	۰/۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	۱۶/۱۹۳	۱	مانا نیست

نام متغیر	آماره	معناداری	نتیجه
منابع نقدی	-۱۹/۱۰۹	۰/۰۰۰	مانا است
فرصت رشد	-۱۳/۰۲۴	۰/۰۰۰	مانا است
دارایی‌های مشهود	-۸/۹۷۲	۰/۰۰۰	مانا است
سودآوری	-۵/۱۸۴	۰/۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	-۲۰/۳۲۲	۰/۰۰۰	مانا است
آزمون هم‌جمعی			
	آماره	سطح معناداری	
مدل اول	-۲۱/۵۷۹	۰/۰۰۰	
مدل دوم	-۱۲/۰۷۷	۰/۰۰۰	

با توجه به جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود سطح معناداری همه متغیرها (به جز اندازه شرکت) کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرهاست. همچنین در بررسی مدل خطاها مشاهده می‌شود سطح معناداری مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد است و بیانگر مانا بودن آزمون‌ها می‌باشد.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

گاهی اوقات داده‌هایی که ما با آن‌ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً پانلی از داده‌ها یا پانل دیتا شناخته شده است. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (pool data) مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا (panel data) گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف-لیمر استفاده می‌شود. بنابراین آزمون اف-لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود. در صورتی که میزان معناداری آماره چاو (prob) کمتر از سطح ۵ درصد باشد، داده‌های تابلویی (پانل دیتا) انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول ۴. نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نام مدل	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
مدل اول	۲/۱۴	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل دوم	۵/۶۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

با توجه به جدول (۴)، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل‌های اول و دوم کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده‌های تابلویی (پانل دیتا) در مقابل رویکرد داده‌های تلفیقی (پول) مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۱۶۱/۵۱	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
مدل دوم	۲۲/۴۲	۰/۰۰۲	اثرات ثابت

با توجه به جدول (۵)، چون سطح معناداری در مدل‌های اول و دوم کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد اثرات ثابت در مقابل رویکرد اثرات تصادفی عرض از مبدأ مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

فرضیه اول

بین عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

جدول ۶. تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره T	سطح معناداری
عملکرد پایداری شرکت	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۷	-۲	۰/۰۴۶
اندازه شرکت	۰/۲۶۲	۰/۰۳۵	۷/۳۱	۰/۰۰۰
منابع نقدی	۳/۹۲۴	۱/۱۴۳	۳/۴۳	۰/۰۰۱
فرصت رشد	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۹۳	۰/۳۵۳
دارایی‌های مشهود	۱/۷۵۲	۰/۵۶۲	۳/۱۲	۰/۰۰۲
سودآوری	۰/۶۷۶	۰/۲۲۷	۲/۹۸	۰/۰۰۳
اهرم مالی	-۲/۶۷۸	۰/۸۲۷	-۳/۲۴	۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	-۴/۹۱۳	۰/۶۴۲	-۷/۶۵	۰/۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل شده	۸۰ درصد	دوربین واتسون		۲/۰۳
آماره فیشر	۷/۵۱	سطح معناداری آماره فیشر		۰/۰۰۰

مشاهده می‌شود که متغیر عملکرد پایداری شرکت دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که بین عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۸۰ درصد از تغییرات

متغیر وابسته را توضیح دهند. دوربین واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل دارد. سطح معناداری فیشر نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد مدل از اعتبار کافی برخوردار است.

فرضیه دوم

بین سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

جدول ۷. تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره T	سطح معناداری
سرمایه‌گذاران نهادی پایدار	-۱/۰۶۲	۰/۱۸۸	-۵/۶۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۲۱۰	۰/۰۰۳	-۵/۶۳	۰/۰۰۰
منابع نقدی	۰/۰۳۷	۰/۰۰۲	۱۲/۸۴	۰/۰۰۰
فرصت رشد	۰/۱۳۱	۰/۰۳۵	۳/۶۷	۰/۰۰۰
دارایی‌های مشهود	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۵/۰۹	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۰۷۷	۰/۰۱۸	۴/۲۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	-۲/۰۹	۰/۰۳۷
عرض از مبدأ	۰/۱۱۰	۰/۰۲۱	۵/۲۳	۰/۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل شده	۸۶ درصد	دوربین واتسون	۲/۱۱	
آماره فیشر	۷/۵۱	سطح معناداری آماره فیشر	۰/۰۰۰	

مشاهده می‌شود که متغیر سرمایه‌گذاران نهادی پایدار دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که بین سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۸۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. دوربین واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل دارد. سطح معناداری فیشر نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد مدل از اعتبار کافی برخوردار است.

۵. نتیجه‌گیری

مالیات به‌عنوان یکی از کارآمدترین منابع تأمین مالی از آغاز شکل‌گیری جوامع و دولت‌ها به طرق مختلف مورد توجه بوده است. علاوه بر آن، عملکرد حساس مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاستی مالی نظیر بهبود توزیع مجدد درآمد، تخصیص منابع و تثبیت نوسانات اقتصادی اهمیت آن را دوچندان نموده است. همه این عوامل باعث شده تا جایگاه نظام مالیاتی در مجموعه اقتصاد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که هزینه‌های خود را بیشتر از طریق فروش منابع طبیعی و مواد خام تأمین می‌کنند، بسیار مورد توجه قرار گیرد. اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی هست که می‌تواند به منظور انگیزه‌های مالیاتی مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرد. مبنای نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی مدیریت سود، محافظه‌کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند. بر اساس تئوری ذی‌نفعان، اجتناب از مالیات و برنامه‌های در این راستا یک فعالیت اخلاقی نیست، زیرا مالیات‌ها نوعی مسئولیت شرکتی به‌عنوان شهروندانی که از امکانات عمومی ارائه‌شده توسط دولت از طریق وجوه حاصل از مالیات هستند، به حساب می‌آید؛ بنابراین نیاز به مکانیزمی است که منافع شرکت و خواسته‌های سرمایه‌گذاران را همسو کند که شرکت اخلاقی رفتار کند. افشای مسئولیت اجتماعی شرکت یکی از مکانیسم‌ها برای همسو کردن اخلاق مدیران با انتظارات ذی‌نفعان است (آگودلو و همکاران، ۲۰۱۹). عملکرد پایدار اجتماعی را می‌توان مکانیزمی مؤثر برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالقوه جهت سرمایه‌گذاری و کاهش مؤثر اجتناب مالیاتی در نظر گرفت. با توجه به این امر که هدف اصلی یک سازمان یا شرکت، اداره مؤثر و کارآمد آن برای تولید عملکرد پایدار است از شاخص‌های اصلی عملکرد برای دستیابی به این عملکرد پایدار استفاده کنند. این شاخص‌ها معیارهای قابل‌سنجش هستند که عوامل مهم موفقیت یک سازمان را منعکس می‌کند و به آن‌ها کمک کرده تا حرکت به سمت اهداف سازمان را تعریف و اندازه‌گیری کنند. این امر به جهت ارائه اطلاعات کافی و شفاف به سهامداران برای ارزیابی عملکرد پایدار است که یکی از شاخص‌های اصلی عملکرد شرکت‌ها، عملکرد اجتماعی آن‌ها می‌باشد (آرین پور و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج کلی فرضیه اول پژوهش نشان داد که بین سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که برنامه‌های اجتناب از مالیات باعث می‌شود شفافیت حسابداری شرکت ضعیف و خطر عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یابد که تصمیمات سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها را مخدوش می‌کند. وجود سرمایه‌گذار نهادی پایدار می‌تواند اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های ولته (۲۰۲۳)، راکیا و همکاران (۲۰۲۳)، حسن و همکاران (۲۰۲۲)، عارذیله و هلیم (۲۰۲۲) و بینگ و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد و با نتایج پژوهش مرادی و سلمان زاده (۱۴۰۳) همخوانی ندارد.

نتایج کلی فرضیه دوم پژوهش نشان داد که بین عملکرد پایداری شرکت و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که شرکت‌هایی که به طور جدی به پایداری و مسئولیت اجتماعی متعهد هستند، احتمالاً رویکرد اخلاقی‌تری در قبال مالیات خواهند داشت. این شرکت‌ها ممکن است اجتناب مالیاتی تهاجمی را به عنوان رفتاری ناسازگار با ارزش‌های خود و تعهداتشان نسبت به ذینفعان مختلف (از جمله جامعه و دولت) ببینند. این با رویکرد مبتنی بر جایگاه اخلاق و پاسخگویی اجتماعی هم‌خوانی دارد. یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه‌ها با یافته‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های ولته (۲۰۲۳) و بارانی و براتی (۱۴۰۲) هم‌خوانی دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

به میزان مالیاتی یادآور می‌گردد که در صورت عدم پرداخت مالیات از سوی شرکت‌ها، فشارهای ناشی از بحران‌ها و محدودیت‌های مالی درون‌سازمانی می‌تواند یکی از دلایل فرار از مالیات باشد. به مدیران پیشنهاد می‌شود تا جایی که می‌توانند وضعیت درون‌سازمانی را کنترل و در پرداخت سود یا عدم پرداخت سود دقت کافی به عمل آورند و جریانات نقد را در مکان امن سرمایه‌گذاری کنند؛ چراکه تقسیم نابجای سود و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نامطمئن، منجر به فشار مالیاتی و درنهایت عدم پرداخت مالیات خواهد شد. پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که مدیران شرکت‌ها را ملزم کند تا رویه‌ها و ارقام مالیاتی خود را به‌صورت شفاف‌تری افشاء کنند. علاوه بر این، قوانین مالیاتی که امکان کاهش مالیات یا گریز از مالیات را برای مؤدی فراهم می‌سازند شناسایی، بررسی و نسبت به آن‌ها تجدیدنظر شود. به اعتباردهندگان و بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی خارجی پیشنهاد می‌شود که در پرداخت وام و اعتبار به شرکت‌های بورسی به لحاظ این که شرکت‌ها در بحران‌ها و شرایط مالی بد قرار نگیرند و توانایی پرداخت مالیات را داشته باشند، شرایط پرداخت وام را تسهیل نمایند.

به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از رفتار هیجانی، به تحرکات سهامداران نهادی شرکت و گزارش‌های پایداری توجه داشته و شرکت موردنظر را با نمونه‌های مشابه در صنعت، مورد مقایسه قرار دهند.

پیشنهاد‌هایی برای پژوهش‌های آتی

مدل‌های این پژوهش برای تمام صنایع عضو نمونه‌ی آماری به‌صورت یکجا برآورد شده‌اند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی هر یک از مدل‌های این پژوهش برای صنایع مختلف به تفکیک برآورد شود.

بررسی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های زیان‌ده در مقایسه با سایر شرکت‌ها بررسی و آزمون گردد.

تأثیر شرایط اقتصادی از قبیل بحران مالی روی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی پایدار و عملکرد پایداری شرکت با اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در رابطه با این پژوهش در آن شرکت‌ها انجام پذیرد.

منابع

- اسکو، وحید؛ فخاری، حسین. (۱۴۰۱). بی‌قاعدگی سودآوری و چسبندگی احساسات سرمایه‌گذار. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰-۱۱۳.
- بارانی بره بی چاست، میلاد؛ براتی، مهدی. (۱۴۰۲). تأثیر عملکرد پایدار اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۸۲)، ۱۳۶-۱۴۸.
- رسائیان، امیر؛ اکبری، میرعسکر. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین فرار مالیاتی، شفافیت و ارزش دفتری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی، ۶(۱۶)، ۱۷۹-۱۵۹.
- حجازی، رضوان؛ خاتمی، سید کمال؛ ابوالحسنی طرقي، علیرضا؛ ابراهیمی، محسن. (۱۳۹۹). رابطه بین سقوط قیمت سهام و سهامداران نهادی پایدار و گذرا. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۵)، ۸۱-۱۰۲.
- عبدلی، قهرمان؛ حیدری، محمد. (۱۴۰۰). بررسی واکنش نامتناسب سرمایه‌گذاران در بازار سهام ایران. راهبرد مدیریت مالی، ۹(۴)، ۸۷-۱۰۶.
- فخاری، حسین؛ اسکو، وحید. (۱۳۹۷). تقلب در صورت‌های مالی: نیاز به تغییر الگو به سمت حسابداری دادگاهی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷(۲۶)، ۴۵-۶۷.
- مستانه، اکبر؛ پاک مرام، عسگر. (۱۳۹۵). نقش سهامداران نهادی در رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، ۲۴(۳۱)، ۱۴۵-۱۷۴.
- مرادی شهدادی، خسرو؛ سلمان زاده، راحله. (۱۴۰۳). تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۵(۱)، ۱۳۱-۱۵۱.
- واعظ، سید علی؛ بنایی قدیم، رحیم؛ قلمبر، محمدحسین؛ قناد، علی. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین انحراف توجه سهامداران نهادی و اجتناب مالیات. دانش حسابداری مالی، ۱۰(۴)، ۵۷-۷۹.

- Agudelo, M. A. L., Jóhannsdóttir, L., & Davídsdóttir, B. (2019). A literature review of the history and evolution of corporate social responsibility. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 4(1), 1–23. <https://doi.org/10.1186/s40991-018-0039>
- Ardillah, K., & Halim, Y. (2022). The Effect of Institutional Ownership, Fiscal Loss Compensation, and Accounting Conservatism on Tax Avoidance. *Journal of Accounting Auditing and Business*, 5(1), 1-15.
- Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60, 1–17.
- Austin, C. R., & Wilson, R. J. (2017). An examination of reputational costs and tax avoidance: Evidence from firms with valuable consumer brands. *The Journal of the American Taxation Association*, 39, 67–93.
- Badertscher, B., Katz, S., & Rego, S. O. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56, 228–250
- Cheng, C. A. A., Huang, H. H., Li, Y., & Stanfield, J. (2012). The effect of hedge fund activism on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 87, 1493–1526.
- Dai, L., Dharwadkar, R., Shi, L., & Zhang, B. (2017). The governance transfer of blockholders: evidence from block acquisitions and earnings management around the world. *Journal of Corporate Finance*, 45(5), 586–607.
- Davis, A. K., Guenther, D. A., Krull, L. K., & Williams, B. M. (2016). Do socially responsible firms pay more taxes?. *The Accounting Review*, 91, 47–68.
- Dyreg, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85, 1163–1189.
- Fama, E. F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of Political Economy*, 88, 288–307.
- Hanlon, M., Rajgopal, S., & Shevlin, T. (2004). Large Sample Evidence on the Relation Between Stock Options and Risk Taking. Working Paper, University of Washington.
- Hasan, I., Hoi, C.K.S., Wu, Q., & Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113(1), 109-130.
- Hasan, I., Kim, I., Teng, H., & Wu, Q. (2022). The effect of foreign institutional ownership on corporate tax avoidance: International evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 100440.
- Khan, M., Srinivasan, S., & Tan, L. (2017). Institutional ownership and corporate tax avoidance: New evidence. *The Accounting Review*, 92, 101–122.

- Khurana, I., & Moser, W. (2013). Institutional Shareholders' Investment horizon and tax avoidance. *The Journal of the American Taxation Association*, 35, 111-134.
- Li, B., Liu, Z., & Wang, R. (2021). When dedicated investors are distracted: The effect of institutional monitoring on corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Public Policy*, 40, 106873.
- Pasternak, M., & Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax Journal*, 23(1), 33-56.
- Rakia, R., Kachouri, M., & Jarboui, A. (2023). "The moderating effect of women directors on the relationship between corporate social responsibility and corporate tax avoidance? Evidence from Malaysia". *Journal of Accounting in Emerging Econom*, 14(1), 1-24.
- Velte, P. (2023). "Ownership structure and corporate tax avoidance: a structured literature review on archival research". *Journal of Applied Accounting Research*, 25(3), 696-731.
- Ying, T., Wright, B., & Huang, W. (2017). Ownership structure and tax aggressiveness of Chinese listed companies. *International Journal of Accounting & Information Management*, 25, 313-332.